

الهام از اندیشه متفکران دینی می‌کوشد ابعاد تحلیلی تجویزی فهم و اقامه عدالت اجتماعی را در پهنه اجتماع ارائه کند. از این منظر، عدالت در این نظریه حقیقتی نفس‌الامری - در مقام ثبوت - است که هر فرد و جامعه‌ای باید به سمت آن حرکت کند. تحقق این حقیقت در نظام اجتماعی - مقام اثبات - یعنی تنظیم ساختارهای اجتماعی به نحوی که در غایت خود بتوانند «قوم و توازن اجتماعی» را رقم بزنند. تجلی این قوم و توازن در ابعاد اصلی هر جامعه بروز پیدا می‌کند؛ یعنی نظریه مذکور هر مسئله عدالت اجتماعی را دارای سه بُعد قوم حکومت (امامت عدل)، قوم نسل (تعاملات و انسجام اجتماعی) و قوم مال (توازن در معیشت) می‌داند و هر نوع برنامه ریزی، طراحی، مداخله و سیاست‌گذاری را دارای وجهی حاکمیتی، نسلی و معیشتی در نظر می‌گیرد. طبیعی است که عادلانه بودن یا ظالمانه بودن هر برنامه یا مداخله در شناسایی و احصای توازن‌ها یا عدم توازن‌هایی است که در هریک از این ابعاد حاصل می‌شود.

اگر عدالت اجتماعی را یکی از آرمان‌های مهم انقلاب اسلامی بدانیم، در اختیار داشتن مبنای نظری مشخص و مبرهن برای ارزیابی سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی از نان شب برای جمهوری اسلامی واجب‌تر خواهد بود. فقدان چنین مبنایی، ولو اولیه و قابل تکامل و ارتقا، عدالت اجتماعی را بر شهود و حدسیات درست و غلط مجریان در طول سالیان مختلف قرار داده است؛ امری که نتیجه‌اش عقب‌ماندگی‌ای است که بنابر فرمایش رهبر انقلاب باید جبران شود. نظریه اسلامی عدالت اجتماعی گامی اولیه و مهم برای جامعه عمل پوشاندن به مسیر درست تحقق عدالت اجتماعی در بستر انقلاب اسلامی و تلفیق مبارک عدالت پژوهی، عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری است.



### پی‌نوشت

۱. این نوشته خلاصه‌ای از مباحث تفصیلی کتاب زیر است: سرآبادانی، حسین و همکاران، نظریه اسلامی عدالت اجتماعی: تقریری از منظر متفکران دینی معاصر، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ۱۳۹۹.
۲. در مرحله نظری، آنچه که ما می‌خواهیم به آن برسیم، رسیدن به نظریه اسلامی ناب در باب عدالت است. البته باید با نگاه متجددانه، با نگاه نوآورانه، به منابع اسلامی مراجعه کرد و آن نظریه را از متن منابع اسلامی در چارچوب‌های علمی و فنی خودش، که بعضی از دوستان اشاره کردند، استخراج کرد. ما برای استنباط، شیوه‌ها، متدها و روش‌های علمی تجربه‌شده کاملاً حساب‌شده‌ای داریم؛ از این‌ها باید استفاده شود. بنابراین در مرحله نظری و نظریه‌سازی، باید از منابع اسلامی و از متون اسلامی، نظریه ناب اسلام در باب عدالت به دست بیاید. من تکیه‌ام در این نکته این است که نمی‌خواهیم از مؤنث‌ها و کنار هم چیدن نظریات گوناگون متفکرین و حکمایی که در این زمینه حرف زدند، یک نظریه به وجود بیاوریم و تولید کنیم؛ یعنی در این قضیه باید جداً از نقاط جلوگیری کرد. باید پرهیز کرد. در موارد متعددی ما دچار این اشتباه شدیم. بدون اینکه بخواهیم، در مرداب نقاط لغزیدیم. بیرون آمدنش خیلی سخت خواهد بود. نه، حقیقتاً باید در منابع اسلامی جست‌وجو کنیم. این منابع، فراوان هم هست که دوستان هم اشاره کردند. در قرآن، در حدیث، در نهج‌البلاغه، در نوشته‌های فقهی، کلامی و حکمی بحث‌های زیادی وجود دارد که همه‌اش می‌تواند منبع مورد استفاده ما در پیدا کردن نظریه ناب اسلامی باشد (بیانات، دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت؛ ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).
۳. برای مطالعه بیشتر و جامع‌تر درباره این منطق به شماره ۸ نشریه تأملات رشد با عنوان «متفکر محوری؛ حل مسئله بر مدار متفکر» مراجعه کنید. <https://taamolat.rushd.ir>
۴. آل‌عمران، آیه ۱۸.
۵. حدید، آیه ۲۵.
۶. نساء، آیه ۵.